

این نقش همه را غافلگیر می کند



این نقش برخلاف تمام آن چیزی است که همگان تا به حال از من دیده اند، تنها کمی نگران نتیجه کار هستم

بازیگران سریال در آن تجمع کرده اند نگاهی می اندازم و تک تک آنها را مورد شناسایی! قرار می دهم.

رضا توکلی، رضا رویگری، سام درخشانی، نگار فرورزنده، نفیسه روشن و مرجانه گلچین کنار هم ایستاده اند و مشغول تمرین سکانس هستند. خانم ها یک مقنعه زرشکی همراه با مانتوی آبی رنگ به صورت متحدالشکل پوشیده اند و آقایان نیز لباس همسانی به تن دارند. با فرقی اینکه رضا توکلی یک کلاه سفید رنگ آشیزی سر خود گذاشته است. گویا قرار است این ۶ نفر نقش خدمه و کارکنان یک عروسی را بازی کنند و فلسفه لباس های متحدالشکل نیز همین است. در حین تمرین ضبط، اتفاقات جالبی می افتد که ترجمه فارسی اش می شود تلاش برای عدم تجاوز از خط قرمزها! یکی از خانم های بازیگر که نگارنده اسم و رسمش را بلد نبود و گویا در سکانس های بعدی بازی داشت محض رعایت الگوهای تصویری تلویزیون روی جوراب نازکی که پوشیده است جوراب ضخیمی می پوشد که یک وقت عزیزان حاضر در پخش شبکه قیچی به دست، دست به کار نشوند و زحمات گروه را به خاطر پوشیدن جوراب نازک بر باد بدهند!

یک دستیار خوب بهتر از یک سرمربی بد است

تمرین سکانس و مرور دیالوگ ها همچنان ادامه دارد و در این بین تلاش سوسن دین محمد دستیار اول کارگردان در هماهنگ کردن بازیگران و رتوش زدن بازی ها واقعاً قابل تقدیر است. آنقدر حوصله و متانت او تماشایی است که حد و حدودی ندارد. به قول فوتبالیست ها یک دستیار خوب بهتر از یک سرمربی بد است! دین محمد فعالانه صحنه را اداره می کند و ده نمکی بیشتر نظارت می کند. جالب اینجاست که در این بین دو سه تا بچه که معلوم نیست این وسط چکاره هستند مدام در طول و عرض اتاق پذیرایی بدو بدو می کنند و در افزایش آلودگی صوتی سهم به سزایی دارند!... ضبط آغاز می شود. در ابتدا ساسان (سام درخشانی) قرار است دیالوگ بگوید. ده نمکی فرمان حرکت می دهد و ضبط آغاز می شود.

ساسان: دوستان عزیز خانواده محترم همکاران گرامی، دوست خوب من عطا تصمیم گرفته چند کلامی برامون صحبت کنه. قول هم داده که فقط از کلمات فارسی استفاده کنه. عطا جان...

و دستش را به نشانه تعارف به سوی عطا دراز می کند.

مستاجران خانه ای کلنگی

عطا (رضا رویگری) با مختصری ناز و ادا، لیدینگ اند جنتلنگ... ببخشید خانم ها آقایان ما باید کاری کنیم تا این هایی که دارند به اینجا می آیند و همشون مستاجرهای

اگرچه در نوروز گذشته مردم در سالن های سینما از اخراجی های ۲ دیدن کردند ولی امسال قرار است مجموعه دارا و ندار آخرین دستپخت ده نمکی را از شبکه تهران ببینند. کاری که به نظر سازندگانش با مخاطب زیادی مواجه خواهد شد. حالا این ماست تا چه حد ترش باشد یا شیرین خدا می داند!

کامرانیه، لوکیشن دارا و ندار

بعد از ظهر یک روز نه چندان سرد زمستانی اواسط بهمن ماه عازم لوکیشن تصویربرداری سریال دارا و ندار می شوم. بر طبق یک قانون نانوشته لوکیشن سریال باید در یک محله دنج و خلوت انتخاب شود تا از برپا شدن قشقرق جلوگیری شود تا گروه بتواند در فضایی مملو از سکوت و آرامش کارشان را به پیش ببرد. گرچه راقم این سطور در طول عمرش پیش را به محله کامرانیه نگذاشته بود اما انتخاب این محله تقریباً کوهستانی و دور دست علاوه بر اینکه موجبات افزایش تحرک و تقویت عضلات نگارنده را بر اثر پیمودن معابر شیب دار فراهم ساخت به اقتصاد صنف راننده تاکسی کمک شایانی نمود!

با اینکه قرار ساعت ۱۶ است با ۴۵ دقیقه تاخیر سرانجام منزل مذکور را پیدا می کنم و با نگاه های کنجکاو و دنبال کسی می گردم که جواب من را بدهد. تازه اینجاست که صدای آشنایی من را به خود متوجه می کند و چشم نگارنده به جمال همکار سابقمان در مجله خانم الهه گودرزی روشن می شود که مسوولیت روابط عمومی کار را بر عهده داشته و قطعاً با حضور ایشان توانستیم گزارش خوبی تهیه کنیم. گودرزی نیز پس از سلام و احوالپرسی توضیحات لازم را به من می دهد و بنده را به درون ساختمان که محل اصلی تصویربرداری است هدایت می کند. محل تصویربرداری بسیار شلوغ است و با یک نگاه اجمالی مشخص می شود که ظاهر آن من تنها خبرنگار حاضر نیستم و سه چهار نفر



ویژه
مجموعه
دارا و ندار

همکار دیگر نیز حضور دارند و در گوشه و کنار به انتظار نشسته اند. خانم گودرزی به من و سایر خبرنگاران تاکید می کند که برای گفتگو با عوامل سریال باید منتظر پایان تصویربرداری سکانس مربوطه و فرارسیدن زمان استراحت بمانیم. به محلی که

اون خونه کلنگی هستند، مبادا بو ببرد که ما نسبت خویشاوندی با تیمور خان داریم. به هیچ عنوان و گر نه همه چیز خراب می شود. آنها باید فکر کنند که آقا تیمور هی دعا می کند و ما استتجاب می کنیم. متوجه هستید؟ ما به مشت آدم خیر هستیم که خونه در اختیار می گذاریم. چادر اختیار می گذاریم. بچه ها کمک می کنند و...

عطا همین طور به جملات بی ربط و پس و پیش و غلط و غلو طش ادامه می دهد و من مانده ام که رویگری با چه تسلطی این قدر دیالوگ هایش را اشتباه و غلط می خواند! در برداشت اول جفت بومهای صدا در کادر دوربین می رود و ده نمکی فوراً کات می دهد.

در برداشت دوم یکی از بازیگرها ناخواسته حالت چهره اش تغییر می کند و دوباره کات داده می شود. سرانجام با خرد کردن پلان و جدا جدا ضبط کردن موضوع فیصله پیدا می کند. نکته جالب این صحنه نگار فرورزنده بود که یک سیب بدست داشت و در حین گفتن دیالوگ گازهایی نمایشی به آن می زد و مثلاً با دهان نیمه پر حرف می زد. پرواضح است که اگر قرار بود این گاز زدن ها واقعی باشد به علت برداشت های متعدد، ایشان ناگزیر بود چند عدد سیب را اجباراً نوش جان کند!

لباس عروس با شلوار جین

پس از گرفتن این پلان چشمم به شراره کمالی زاده بازیگر نقش عروس می افتد و در حالیکه لباس عروسی را روی شلوار جین پوشیده با دشواری گام بر می دارد و به پشت صحنه می آید. با اینکه می گویند پشت صحنه سریالها حکایتی جدا با دنیای جلوی دوربین دارد اما گویا طنزای و شوخ طبعی خود سریال به پشت صحنه اش هم سرایت کرده است. در یک صحنه مرجانه گلچین با لحنی مودبانه از سوسن دین محمد دستمال کاغذی می خواهد تا دستش را پاک کند اما رضا رویگری است که رندانه خطاب به دین محمد می گوید: خانم ها هر چه خواستند فوراً فراهم کنید چون کار لنگ می ماند اما اگر آقایان چیزی خواستند اصلاً بهشان محل نگذارید!

پس از چند دقیقه کار ضبط نماهای تکمیلی به اتمام می رسد و به سراغ رضا توکلی می روم و با او در آشپزخانه که فارغ از هر گونه سر و صداست به گفتگو می نشینم. توکلی در مورد نقشش می گوید: من در این مجموعه نقش رشیدی را بازی می کنم که یک مباشر حقوقی خانواده ای است که در جریان قصه بدنبال سوء استفاده از فرصت هاست. او سعی دارد با روابطی که با خانواده شخصیت اصلی سریال (فتحعلی اویسی) برقرار می کند آب را گل آلود کند تا با سهم خواهی از ارث این خانواده چیزی به او برسد. توکلی که گویا به بازی در نقش های فانتزی عادت کرده است در ادامه می گوید: ما همگی باید قضاوت در مورد کار را به مردم بسپاریم. ما تمام زحمتان را می کشیم و امیدواریم که تماشاگر ما را ببیزد.

این نقش همه را غافلگیر می کند

پس از رضا توکلی به سراغ رضا رویگری می روم که یک دستمال گردن قرمز بسته و یک جلیقه مشکی پوشیده است و پاسخگوی سؤالات من می شود: